



چگونه دولت با دخالت در طول زنجیره تولید محصولات لبنی در حال نابودی این صنف است؟

کاهش دخالت دولت؛ کلید توسعه صنعت لبنیات در ایران!

در منطقه گل‌گهر ذخیره یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تنی سنگ آهن وجود دارد و این میزان ذخیره می‌تواند نیاز بسیاری از واحدهای فرآوری و نیز فولادسازی را به مواد اولیه تامین کند. از این‌رو شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر با انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان و بدون کمک دولت، در حال به حداکثر رساندن بهره‌برداری از ظرفیت معادن خود و تکمیل زنجیره ارزش تا محصولات نهایی است. این رویکرد گل‌گهر باعث می‌شود طی سال‌های آینده این شرکت بتواند بخش مهمی از نیاز فولادسازان کشور تامین کند و سهم مهمی از بازار سنگ آهن کشور را در اختیار گیرد. این سیاست هم‌اکنون در شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در حال اجرا است و به‌نظر می‌رسد تا سه سال آینده، گل‌گهر قطب سنگ آهن و فولاد کشور شود.

انسان در طول تاریخ طی طریق کند و اصولاً همین نیاز با احصا حقوق انسان‌ها؛ حق حیات را به عنوان موضوع اساسی زیست بشر تلقی کرد.

حق حیات و نیازهای اساسی که با خوراک، پوشاک و مسکن معرفی شد اولین نمایه‌های ایجاد ساختار اقتصادی شد و بازارها بر اساس نیازهای اولیه از جمله خوراک پیش رفت. اما دوران مدرن عالمی دگر و شرایط ویژه‌ای داشت اما نیازهای اولیه انسان همان نیازهای سابق بود لذا با صورت بندی علوم نوین نیازهای اولیه را در صدر نشان‌دادند و بر همین اساس علوم غذایی برای بهبود در تولید و ارائه محصول غذایی که قوت حیات بشر بود در اولویت قرار گرفت.

بر اساس همین امر بود که در دوران مدرن روند تولید محصول غذایی صنعتی شده و از ساختار سنتی در آمد زیرا بشر روزگار جدید یکی از فرایندهای بهزیستی را توانایی رسیدن بهینه به مواد غذایی به عنوان قوت لایموت در نظر گرفت و برای آنکه تمامی این‌ها بشر بتوانند به این نیاز اساسی دسترسی داشته باشند دیگر روش‌های سنتی جوابگو نبود.

اما از آنجا که سلامت یکی از ارکان اساسی زیست بشر تلقی شد، همواره زیست بشر توانمان با توانایی پیشگیری و درمان امراض صورت بندی شد تا از این رهگذر سدهای جلوی مرگ و میر از طریق بیماری باشد و این نقطه کانونی توسعه صنعت غذا در جهان مدرن بود.

اگر بپذیریم که یکی از نیازهای اساسی انسان غذاست و اگر بپذیریم یکی از نمایه‌های جلوگیری از توسعه بیماری‌ها در نوع تغذیه بشر نهفته است آنجاست که صنعت غذا برای مردمان جهان مهم تلقی می‌شود و همین امر باعث شد در زنجیره غذایی انسان آن دسته از محصولات که هم در بعد غذایی و هم در بعد سلامت موثر هستند از اهمیت بالایی برخوردار شوند و در این بین لبنیات

اقتصاد یک نیروی پیش برنده است، نیرویی که بر اساس آن روابط تنظیم و زیست بشر بهبود می‌یابد. هرچند برای رسیدن به این مهم و این انگاره، که می‌توان بر اساس اقتصاد روابط را تنظیم کرد حوادث بسیاری بر جهان رفت اما آنچه امروز موضوع حیاتی برای زیست بشر و ارتقا دولت‌هاست نیروی پیش برنده اقتصاد است.

بر همین اساس هرچه میزان بازار و فعالیت اقتصادی یک کشور توسعه یافته تر باشد عمق آن نیز بیشتر و قدرت بازدارندگی آن نیز از هر جهت بیشتر است.

بر همین اساس کشورها برای عمیق کردن روند حیاتی اداره کشور خود، همواره به توسعه اقتصادی دست یازیدند و از این رهگذر تولیدات صنعتی، خدمات و امور مالی و سرمایه‌ای را به عنوان رمز بقا تلقی کرده‌اند.

ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و از دهه چهل که به صرافت فهمید برای کشورداری، نیازمند اقتصادی پویا است به سمت صنعتی شدن و ایجاد خدمات پایه از جمله حمل و نقل پیش رفت. هرچند ایران با توجه به دارا بودن معادن بزرگ نفت و گاز همواره نگاهی حداقلی به توسعه داشت اما آنچه نیروی پیش برنده در همین امر حداقلی تلقی می‌شود "نیاز" است.

بر همین اساس هرکدام از صنایع بزرگ را که در کشور نام ببریم نیازی در پس آن بوده که تبدیل به اولویت گردیده است و هیچ چیز بر اساس اولویت و برنامه در کشور ما متاسفانه پیش نرفته است. هرچند عنصر نیاز پیش برنده بسیاری از امور در دیگر دول جهان هم هست اما اقتصاد به عنوان شاهرگ حیاتی برای ادامه، نیازمند اولویت هم هست و دولت بر اساس تعریف آن به عنوان ناظر این مسئله باید در این امر اهتمام کند.

همین نیاز بود که نیروی پیش برنده انسان قرار گرفت و تامین نیازهای اولیه و ایجاد شرایط برای بهزیستی باعث شد که

رقابت یا دخالت، مساله این است!

دست اندازهایی مواجه است که با ایجاد تحریم بر سر اقتصاد کشور و سخت تر شدن زیست مردمان این خطه، دخالت ها نیز توسعه یافت.

برای مثال دولت با ارائه یارانه های مختلف در صدد تنظیم روابط قیمت برای مردم است اما این امر به استقرار نشان داده است که نتیجه عکس دارد و اگر هم بخواهد نتیجه درستی را ایجاد کند باید در انتهای زنجیره یعنی مصرف کننده هزینه شود.

صنعت لبنیات با بیش از ۶۰ سال سابقه و دارا بودن بیش از ۵۰۰ شرکت فعال در کشور و ایجاد اشتغالی بالغ بر ۲,۵ میلیون نفر در طول زنجیره تولید یعنی از تولید نهاده های دامی، دامداری، کارخانه فرآوری، توزیع و فروشگاه و سهم ۲,۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی و در حالی که دولت سود مطلوب را برای این صنف ۱۷ به علاوه منهای ۳ درصد به رسمیت شناخته اما با روند دخالت به نوعی نه تنها این سود را کسب ناشدنی کرده بلکه روند مصرف را نیز با اختلال مواجه کرده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران سالانه حدود ۱,۵ میلیارد دلار بر اساس شرایط اقلیمی کشور برای واردات نهاده های دامی ارز توزیع میکند یعنی در پائین دست زنجیره و براساس این رفتار در بالا دست زنجیره بر روی محصول نهایی قیمت را تعزیر میکند و همین امر نه تنها باعث تخریب نظام توزیع بهینه یارانه شده است بلکه بر اساس تئوری پورتر توازن قدرت را در زنجیره برهم زده است.

اگر بر اساس آنچه در جهان تجربه شده و در حال طی طریق است در نظر بگیریم و با توجه به آنکه این صنف یکی از رقابتی ترین صنوف موجود در اقتصاد کشور است زیرا این بخش هم سلامت محور بوده و هم غذای مردم را تامین میکند میتوان عنوان داشت قطع دخالت دولت میتواند در راستای تنظیم بهینه بازار و اتفاقا جلوگیری از افزایش قیمت حرکت کند.

دولت با توجه به منابع محدود و در حالی که در حال ارائه یارانه است عملاً تنها میتواند بالا دست را تعزیر کند اما در این میان باقی زنجیره نه تنها بر قیمت گذاری دولت پایبند نبوده اند بلکه با ایجاد اختلال، حاشیه سود کارخانه ها را نیز با مشکل اساسی مواجه کرده اند.

به نظر می رسد اگر دولت محترم به جای صرف هزینه هنگفت برای واردات نهاده، تصمیم به اعطای این مبلغ به مردم کند و واردات و صادرات هر محصول و نیازی را در طول زنجیره را آزاد کند در کوتاه مدت دست پنهان بازار که مبتنی بر رقابت است برای از دست ندادن فروش و مشتری، قیمت را تنظیم خواهد کرد و دیگر مسائلی مانند آنچه امروز بر صنعت لبنی کشور به عنوان صنعتی پیشران با اشتغال زایی بالا در حال وقوع است را خواهد گرفت زیرا با فشار روز افزون شرایط اقتصادی و حاشیه سود کم در این صنایع نه تنها شرکت ها در حال حاضر با ۵۰ درصد ظرفیت در حال فعالیت هستند بلکه بیم آن می رود در ادامه برخی از این کارخانجات مجبور به تعطیلی شرکت خود شوند.

تنها راه مورد وثوق تمام زنجیره تولید محصولات لبنی به نظر می رسد که قطع دخالت دولت چه در یارانه دهی، چه در قیمت گذاری و چه در ایجاد محدودیت در واردات و صادرات باشد و اگر این مهم رخ دهد هم بار مالی دولت کم خواهد شد و هم آنکه شرکت ها با تنظیم روابط خود نسبت به توان مصرف کننده، میتوانند بازار را توانمند با کسب سود مناسب تنظیم کنند.

که هم تاریخ با میلاد بشر است مهم تلقی شد.

توسعه کارخانجات لبنیاتی در جهان همراستای نیاز بشر و توسعه محصولات برای ارتزاق و همچنین تامین نیازهای انسانها به سیاقی پیش رفت که الگوی مصرف نیز تغییر یافت و هرچه این الگو تعمیق یافت روند تولید و ایجاد زنجیره ارزش در طول محصول نهایی لبنی نیز فرجه تر شد.

اما همانطور که بالاتر گفته شد همواره بازارها بر اساس نیازها ساخته شد و این نیاز در کنار تامین مایحتاج، ایجاد و خلق ثروت را نیز در بر داشت و هرچه الگوهای مصرف و نیاز جوامع به محصولات افزایش یافت، شرکت های تولیدی برای مانایی نیازمند کسب سود بودند تا از این رهگذر بتوانند نیازهای جدید و الگوهای جدید مصرف بر اساس ذائقه را پیش برند.

در ایران نیز در اواخر دهه سی با همکاری سازمان های جهانی اولین کارخانه تولید محصول لبنی افتتاح شد تا ایران نیز به جای مصرف سنتی که ایجاد بیماری های متفاوت می کرد، جلوگیری شود هرچند هدف اولیه ایجاد کارخانه تولیدی در ایران پیشگیری از امراض بود اما حرکت به سوی تولید صنعتی خود رفتاری مدرن برای تامین مایحتاج انسان ایرانی قلمداد شد.

اولین کارخانه در ایران بر اساس نیاز کشور و توصیه سازمانهای بین المللی در مقوله شیر مدرسه راه اندازی شد اما به سرعت روند زیست انسان ایرانی نیز دست خوش تغییر گردید و بر همین اساس کارخانجات لبنی نیز توسعه یافتند.

تولید شیر پاستوریزی و پنیر به عنوان اولین محصولات مورد استفاده و نیاز ایرانی ها باعث شد کم روند مصرف لبنیات سنتی کاهش یافته و با توسعه شهر نشینی در ایران در دهه چهل مصرف محصول صنعتی لبنی نیز جایگزین لبنیات سنتی شد.

اما از آنجا که روند زیست انسان ایرانی با تاخیر در راستای جهان حرکت کرد و همچنین توسعه اقتصادی همراستای توسعه فرهنگی و انسانی پیش نرفت، این مهم نیز با اختلال هایی همراه شد و از آنجا که پی ریزی اقتصاد کشور از آغازین روزهای صنعتی به موجب وجود نفت در کشور با بیراه و انحراف مواجه شد، نوع سود آوری و خلق ارزش افزوده نیز در ایران با به رسمیت شناخته نشد و یا درست صورت بندی نشد و از آنجا که اقتصاد ایران از روزگار اول دولتی پی ریزی شد روند نیز نه بر اساس رقابت و سود، بلکه بر اساس رانت شکل گرفت.

این رانت و عدم توازن تا هزاره دوم میلادی نیز همچنان بر اقتصاد ایران حاکم است و بر همین اساس این روزها با آنکه همه ی مسئولین شعار خصوصی سازی را می دهند اما با توجه به فرهنگ غلط حمایت دائم بین مردم، مسئولین و فعالین اقتصادی این روند معیوب همچنان ادامه دارد.

همانطور که بالاتر گفته شد لبنیات هم از جنبه غذایی و هم از بعد سلامتی یکی از موضوعات با اهمیت زیست بشر مدرن نام گرفت و این موضوع مورد مناقشه با ساختارها و استانداردهای خاص برای بهبود سلامتی و تغذیه در جهان و ایران توسعه یافت اما آنچه این امر را در ایران با دست انداز مواجه کرده است رفتار مبتنی بر اقتصاد دولتی و عدم شکل گیری عنصر بازار است.

بشر در طول قرن ها به صرافت یافت که برای توسعه بهتر اقتصاد و همچنین بهزیستی بشر آنچه بیش از پیش میتواند پیش برنده باشد نظام بازار است زیرا روند رقابت در پس بازار هم باعث ارتقای کیفیت می شود و هم در کنار خلق ارزش افزوده به تولید کننده اجازه تولید متنوع را خواهد داد اما این مورد در ایران با

صنعت لبنیات با بیش از ۶۰ سال سابقه و دارا بودن بیش از ۵۰۰ شرکت فعال در کشور و ایجاد اشتغالی بالغ بر ۲,۵ میلیون نفر در طول زنجیره تولید یعنی از تولید نهاده های دامی، دامداری، کارخانه فرآوری، توزیع و فروشگاه و سهم ۲,۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی و در حالی که دولت سود مطلوب را برای این صنف ۱۷ به علاوه منهای ۳ درصد به رسمیت شناخته اما با روند دخالت به نوعی نه تنها این سود را کسب ناشدنی کرده بلکه روند مصرف را نیز با اختلال مواجه کرده است